

شهيد مختار بحرانی



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

صفر	نام پدر
۲۰/۱/۱۳۳۸	تاریخ تولد
بوشهر - بوشهر	محل تولد
:۵/۱۲/۱۳۵۸	تاریخ شهادت
خارگ	محل شهادت
	مسئولیت
	نوع عضویت
	شغل
	تحصیلات
	مدفن

زندگینامه

زندگینامه :

شهید مختار بحرانی در روزگاری پا به عرصه وجود گذاشت و در خانواده ای تربیت شد که آثار ظلم و ستمگریهای دوران ستمشاهی بر پیکر این خانواده نمایان بود وی در قریه نظر آقا از توابع شهرستان دشتستان در تاریخ ۲۰/۱/۱۳۳۸ دیده به جهان گشود پس از گذراندن دوران طفولیت و با توجه به مشکلات مالی خانواده پا به سنگر علم و دانش گذاشت . و در مکتب قرآن و علم استاد مرحوم سید حسین ساداتی به مدت یک سال استفاده نمود و بعد از گذراندن دوران کوتاه علمی مکتبی جهت تحصیل علم و دانش به مدرسه رفت و دوران ابتدایی خود را در مدرسه رودکی نظر آقا و دوران راهنمایی را در مدرسه کنونی شهید مدرس گذراند و جهت ادامه تحصیل مقطع متوسطه به دبیرستان برازجان رفت و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم گردید و وی در سال ۱۳۵۷ به استخدام نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و بعد از گذراندن دوران آموزشی در شهر اهواز به جزیره خارگ منتقل گردید . در تاریخ ۵/۱۲/۱۳۵۸ در فرودگاه جزیره خارگ به درجه رفیع شهادت نائل گردید و پیکر مطهر و شریفش در تاریخ ۶/۱۲/۵۸ در گلزار شهدای روستای نظر آقا به خاک سپرده شد

وصیت نامه

وصیت نامه شهید بحرانی

خدمت پدر بزرگوارم جناب آقای مهدی صفر بحرانی . اولاً سلام عرض می کنم پس از تقدیم سلام ، سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم و اگر جویای حال اینجانب باشید سلامت هستم . پدر جان کردستان رفتن ما حتمی است و شما ناراحت نباشید پدر جان تنها خواهش من از شما این است که ناراحتی نکنید چون برگشتن برای ما دشوار است . پدر جان من از شما خداحافظی می کنم و به جای من عروسی برادرم را برای او انجام بده و مرا حلال کن خداحافظ

خاطرات

ویژگیهای شهید از زبان والدین شهید بحرانی

دوران قبل از تولد او را به یاد ندارم اما وضعیت زندگی ما بسیار سخت بود اما همیشه از خداوند می خواستیم که فرزند سالمی داشته باشیم تا بتواند به کمک پدرش باشد در آن دوران از سفره خود غذا بخورم اکثر اوقات با وضو بودم و ذکرهای وارده را بیشتر بر زبان می آوردم زمان تولد به یاد ندارم که مصادف با ایام خاصی باشد او در همان کودکی به مسجد علاقه داشت و دنبال پدرش گریه می کرد که او را به مسجد ببرد . قبل از دبستان در مکتب خانه سید حسینی ساداتی به فراگیری قرآن پرداخت و در سن شش سالگی به مدرسه رفت در دوران مدرسه روزهای جمعه و ایام تعطیل به کارگری می پرداخت تا بتواند هزینه مدرسه خود را تأمین کند به همین خاطر نسبت به درس و مشق خود بسیار کوشا بود از لحاظ اقتصادی وضعیت ما خوب نبود بعد از این که دیپلم خود را گرفت مجبور شد کار کند تا برادرش بتواند درس بخواند علاقه خاصی به نماز و اعمال مذهبی داشت او در راهپیمایی شرکت می کرد و اعلامیه های امام را در مدارس پیدا می کرد و برای افراد می خواند در محل با توجه به این که کدخدا وجود داشت نسبت به آنان تنفر داشت و مردم را بر علیه آنان می شوراند بعد از پیروزی انقلاب شبانه روز در بسیج خدمت می کرد او عاشق امام بود و به او عشق می ورزید وی از گروهکهای محارب و مخالف انقلاب به شدت ناراحت بود و همیشه با آنان در ستیز بود به خاطر عشق به انقلاب به استخدام سپاه در آمد در محل کار به همه احترام می گذاشت و همه هم او را مورد احترام قرار می دادند نسبت به همکاریهای بسیار مودب بود و امانت دار بود نسبت به بیت المال حساس و سختگیر بود در صحبتهایش همیشه از شهادت می گفت بارها می گفت که ای کاش در زمان امام حسین می بودیم و او را یاری می کردیم و بارها دعا می کرد که خدایا شهادت را نصیب من کن تا اینکه روزی که رفتیم برای خواستگاری همسر او ، شب خبر شهادتش را برای ما آوردند .

ایشان خدمت سربازی را انجام ندادند زیرا همان موقع به استخدام سپاه در آمدند به جبهه علاقه داشت و می گفت که دوست دارم در کردستان بر علیه مخالفان انقلاب و اسلام بجنگم . وقتی که خبر شهادت را آوردند چون فرزند ما بود اول بسیار ناراحت شدیم ولی کم کم به یاد امام حسین (ع) و روز عاشورا افتادیم کم کم تحمل کردیم . دو روز بعد از شهادتش برای ما خبر آوردند مسئولین می توانند با زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهدا فرهنگ شهادت را در جامعه گسترش دهند .



سامانه جامع سرداران و دوهزارششمین استان بوئنهر